

مقاله حاضر، قصد دارد از ۱۴ الگوی ارزشیابی (آموزشی و غیرآموزشی) که در ترویج قابل استفاده می باشد، بحثی مختصر ارائه نماید. لازم به ذکر است که روش آن، بررسی تحلیلی - تطبیقی بوده و برای جمع آوری اطلاعات، از مطالعه کتابخانه‌ای، مشاهده و مصاحبه با جمعی از صاحب نظران استفاده شده است. الگوهای فوق الذکر عبارتند از:

الگوهای ارزشیابی CIPP، الگوی ارزشیابی تفاوتها، الگوی ارزشیابی هدف آزاد، الگوی ارزشیابی اعتبارگذاری، الگوی ارزشیابی بی حقوقی، الگوی ارزشیابی مناسبات اجرایی، الگوی ارزشیابی به مثابه روشنگری، الگوی ارزشیابی مشارکتی (PE)، الگوی ارزشیابی تایلر، الگوی ارزشیابی مبتنی بر استراتژی وضعیت ویژه، الگوی ارزشیابی استیک، الگوی ارزشیابی هدف مدار، الگوی آزمایش اجتماعی، الگوی ارزشیابی تسهیل تصمیم گیری و الگوی عمومی ارزشیابی.

باید توجه داشت که مقاله حاضر، به معرفی اجمالی و شرحی کوتاه از الگوها بسنده کرده و علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به منابع و مآخذ مقاله مراجعه نمایند.

#### مقدمه:

فرایند برنامه ریزی، سیکل (چرخه) پیچیده‌ای است که آخرین حلقه از آن را ارزشیابی تشکیل می دهد. علاوه بر آن، ممکن است ارزشیابی در هر یک از مراحل بعد از انجام، ضمن انجام و یا قبل از انجام هر مرحله خودنمایی کند.

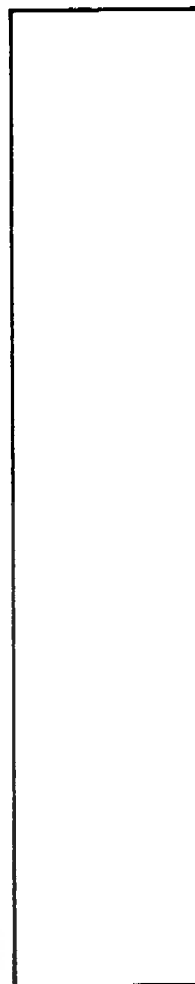
ارزشیابی، فعالیتی است که همه بطور روزانه درگیر آن هستیم. چرا که همواره در حال قضاوت نسبت به ارزش یا اهمیت

اسان برای کسب موفقیت بیشتر در کارها و بالا بردن راندمان کار، احتیاج به برنامه‌ریزی در زندگی دارد.

آخرین حلقه از فرایند برنامه‌ریزی راه، ارزشیابی تشکیل می دهد. ضمناً در هر مرحله از برنامه ریزی نیز، ضرورت ارزشیابی احساس می شود.

ارزشیابی، نقش بسیار مهم و مؤثری را در تصحیح حرکتها و فعالیتهای دارد. نقاط ضعف و قوت برنامه ها و طرحهای انجام شده یا در دست اجرا را نشان می دهد. لذا مناسبترین روشها و راه حلها را در جهت پیشبرد اهداف تعیین می کند. وجود ارزشیابی، بازنگری مناسبی جهت اصلاح و تداوم برنامه محسوب می شود. از طرف دیگر، تأثیرگذاری و کارایی برنامه‌ها را هیچ‌گاه به طور دقیق نمی توان اندازه گرفت. با این حال، وجود الگوهای ارزشیابی، این عدم اطمینان را به حداقل می رساند.

برای ارزشیابی برنامه، الگوهای گوناگونی ارائه شده که هر یک از آنها، براساس رویکردها و اهداف خویش، دارای شیوه خاصی برای اجرا می باشند.



آشنایی با  
الگوهای ارزشیابی  
قابل استفاده در  
ترویج و آموزش  
کشاورزی  
• مهندس جواد محمدقلی نیا

تجربه‌ها و یا اموری هستیم که انجام می‌دهیم. هر چقدر، ارزشیابی رسمی تر باشد، کیفیت بازدهی بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، پیدا کردن و تکمیل الگوهای برای این امر، از ضروریات است. این مقاله قصد دارد با عنوان کردن یک سری تعاریف و اصول مقدماتی و بیان اهمیت، ضرورت و دلایل ارزشیابی، عناصر و سطوح آن و ذکر انواع ارزشیابی، زمینه را برای ورود به مبحث اصلی مهیا کند و آنگاه به شرح ۱۶ الگو، جهت ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و ترویجی بپردازد. باید متذکر شد که برای ارزشیابی هر گونه فعالیتی می‌توان از چند الگو استفاده نمود. استفاده از هر الگو، به اهداف کار و شرایط موجود برای عمل، بستگی دارد. همچنین نمی‌توان الگوی خاصی را برتر از الگوی دیگری دانست؛ چرا که برتری هر الگو، تنها با توجه به موقعیت اجرایی مفهوم پیدا می‌کند. از طرف دیگر، گاهی استفاده از یک الگوی تنها، به برآورد اهداف ارزشیابی قادر نبوده، بلکه تلفیقی از الگوهاست که این نیاز را برآورده می‌سازد.

## ۱- آشنایی با مفاهیم:

### الف: ارزشیابی چیست؟

موضوع ارزشیابی "Evaluation"، شامل تمام فعالیتهای انجام شده، روشها، الگوها، وسایل و تجهیزات و امکانات فیزیکی، عملکرد مسئولان، مدیران، فراگیران و ... است. ارزشیابی، فعالیتی است که همه بطور روزانه درگیر آن هستیم. چه آنکه همواره در حال قضاوت نسبت به ارزش یا اهمیت تجارب و یا اموری هستیم که انجام می‌دهیم. برای ارزشیابی، تعاریف متعددی ارائه شده

است و تقریباً، به تعداد کسانی که در این زمینه مطالعه کرده‌اند، تعریف از ارزشیابی وجود دارد. پس جا دارد که ابتدا چند تعریف از ارزشیابی ارائه نماییم و آنگاه به بحث در این زمینه بپردازیم.

ارزشیابی در لغت به معنای یافتن ارزشها یا آزمون و قضاوت در باره ارزش، کیفیت، اهمیت، میزان درجه یا شرایط پدیده است. ارزشیابی، سنجش عملکرد و مقایسه نتایج حاصل با هدفهای از پیش طرح ریزی شده، جهت تصمیم‌گیری در باره این می‌باشد که، آیا فعالیتهای انجام شده به بازده مطلوب انجامیده است یا خیر؟

سنجش عملکرد، به فرایند اندازه‌گیری عملکردهای نهائی و کمکی در حین و پایان کار گفته می‌شود. واحد بازرسی مشترک سازمان ملل، ارزشیابی را فرایندی می‌داند که سعی دارد هر چه نظام یافته‌تر و عینی‌تر، ارتباط کارایی و تأثیر فعالیتهای انجام شده را با توجه به منظور و هدف آنها تعیین نماید.

«دانیل استفیل بیم» (Daniel Stufel) (Beam)، ارزشیابی را فرایند تعیین، گردآوری و فراهم آوردن اطلاعات لازم برای قضاوت در باره گزینه‌های تصمیم‌گیری می‌داند.

«شعبانی» معتقد است، ارزشیابی در هیچ موقعیتی نباید به عنوان هدف مطرح گردد. اگر بعد از اندازه‌گیری و به دست آوردن اطلاعات، کیفیت نتایج یا اطلاعات به دست آمده را مورد توجه قرار دهیم و به تجزیه و تحلیل آن بپردازیم، گفته می‌شود ارزشیابی انجام گرفته است.

از طرف دیگر می‌توان گفت، تعریف ارزشیابی بر حسب هدف انجام آن، نوع اطلاعات جمع‌آوری شده، به کارگیری نتایج و زمان انجام آن متنوع است. مطالعه تمامی

تعاریف و الگوهای ارزشیابی موجود، این نکته را مشخص می‌کند که ارزشیابی به طور عمده، فعالیتی است شامل: تشریح و توصیف کمی و کیفی پدیده‌ها و فعالیتهای انجام شده که معمولاً قضاوت ارزشی را هم به دنبال دارد. این تعریف را به شکل زیر می‌توان نمایش داد:

قضاوت ارزشی + تشریح کیفی + تشریح کمی = ارزشیابی

## ب: واژه‌های مرتبط با ارزشیابی

اکنون که تا حدودی با مفهوم ارزشیابی آشنا شدیم، بهتر است با برخی از واژه‌های شبیه به آن نیز، آشنا شویم تا درک بهتری از موضوع حاصل گردد.

**ارزیابی (Appraisal):** گردآوری اطلاعات را برای تصمیم‌گیری در باره برنامه، ارزیابی گویند. سروکار ارزیابی با حجم عملیاتی است که در یک برنامه اجرا شده است. ولی در ارزشیابی تحلیل نیز مطرح است.

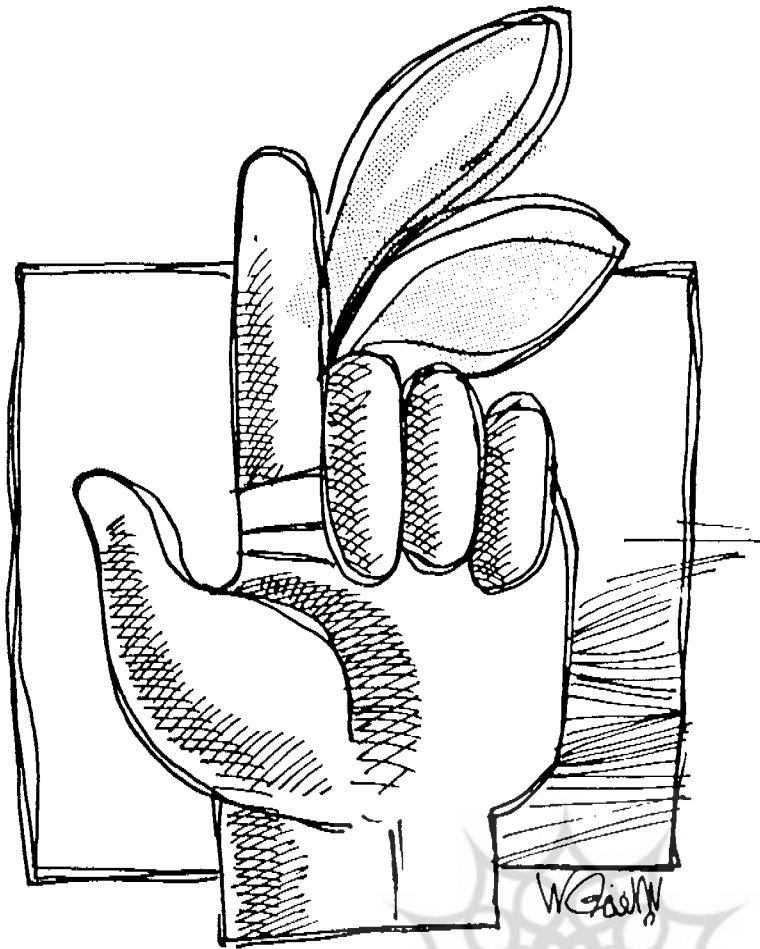
### نظارت (Monitoring): فرهنگ

عمید، نظارت را مراقبت در اجرای امری، معنی کرده است. در دید وسیعتر، نظارت عبارت است از: مراقبت از اینکه، همه چیز مطابق برنامه و با توجه به محدودیت زمان و اعتبار پیش رود و اجرای پروژه را تضمین و تسهیل کند.

نظارت، نوعی نظام مراقبتی است که از سوی مسئولین پروژه، به منظور انطباق هر چه بیشتر امور با اهداف طرح و جلوگیری از اتلاف منابع، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، فرایند نظارت، چیزی شبیه ارزشیابی مرحله‌ای می‌باشد.

«سرنا و تی پینگ» (Cerne and

Tepping)، نظارت را مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر، پیرامون نحوه استفاده از



نهاده های طرح، روشن کردن فعالیت‌های طرح، پیدایش به موقع ستانده های طرح و شرایطی که برای اجرای مؤثر طرح، لازم و مهم هستند، می‌دانند. دکتر بولا معتقد است که تفاوت بین ارزشیابی و نظارت در حال محو شدن است و نظارت در حال یکی شدن با راهبرد ارزشیابی می‌باشد. (۳، ص ۲۱)

### - اندازه گیری (Measurement):

زیربنای اکثر فعالیت‌های ارزشیابی است و قواعدی است که برای نسبت دادن اعداد به اشیاء یا افراد به کار می‌رود. به طوریکه، صفاتی از آن اشیاء یا افراد را به صورت کمیت، نشان می‌دهد. گاهی اندازه گیری را به دست آوردن اطلاعات مربوط به یک رفتار یا ویژگی خاصی به صورت کمیت می‌دانند. پس اندازه گیری فقط یک توصیف کمی از کار است، ولی ارزشیابی توصیف کمی و کیفی و قضاوت ارزشی را شامل می‌شود. عمل اندازه گیری (کمی کردن اندازه گیری) می‌تواند شکلهای بسیار متنوعی به خود بگیرد. این عمل می‌تواند به طور دقیق یا تقریبی باشد. درجه دقت لازم در اندازه گیری، با توجه به مقاصد آن، متفاوت است. چنین فرایندی، متوجه سطوح مختلف اندازه گیری و یا مقیاسهای «Scales» مختلفی است که عبارتند از: مقیاس اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبتی. همان طور که اشاره شد، فرایند اندازه گیری، اساساً غیرارزشی بوده است و به مقادیر به دست آمده از طریق عمل اندازه گیری هیچگونه ارزشی تعلق نمی‌گیرد و صفات اندازه گیری شده، فقط به صورت کمی توصیف می‌شوند.

### - آزمون (Testing):

آزمون، دارای معنای محدودتری از اندازه گیری می‌باشد و همه اندازه گیریها، الزاماً به معنای اجرای آزمون نیست. آزمون، ویژگی یا صفتی

محقق فرض‌گرا ولی ارزشیاب، ملاک‌گرا است. محقق به دنبال کشف چگونگی به کار بردن آن در عمل است، ولی ارزشیاب به دنبال تعیین میزان و مقدار تفاوت حاصل از نتیجه کار با ملاک و معیار است. ارزشها در ارزشیابی وزن پذیرند، اما در تحقیق فرضیه پذیرند.

گاهی تحقیق، با ارزیابی یا نظارت اشتباه گرفته می‌شود. این اشتباه، بدان علت است که ارزیابان با استفاده از آزمون و مصاحبه، مانند پژوهشگران به گردآوری اعداد و ارقام می‌پردازند و جدول و نمودار تهیه می‌کنند.

همانطور که ذکر شد، وجه تمایز یا خصوصیت ویژه‌ای که ارزشیابی را از اموری مانند سنجش و اندازه گیری، تحقیق، ارزیابی و ... جدا می‌کند، همان قضاوت ارزشی است که براساس ملاکها و معیارهای از پیش تعیین شده، در پایان همه ارزشیابیها انجام می‌شود. نوع این قضاوت ارزشی و تصمیماتی که بر اساس آنها گرفته می‌شود، نوع ارزشیابی را تعیین می‌کند. لذا انواع ارزشیابی در اموری

را مستقیماً اندازه گیری نمی‌کند، بلکه تنها نمونه‌ای از رفتار بالفعل را اندازه گیری می‌کند. لذا دارای مفهومی محدودتر از امتحان و اندازه گیری می‌باشد. آزمونها دارای انواع زیادی می‌باشند که بحث در مورد آنها خارج از چارچوب مقاله حاضر می‌باشد.

### - امتحان (Examination):

ارزشیابی است که ناظر بر اندازه گیری آموخته‌های شاگردان می‌باشد.

### - تحقیق (Research):

فعالیتی است منظم که هدفش کشف و گسترش دانش می‌باشد. به عبارت دیگر، تحقیق، فعالیتی است هدفدار، منظم و طرح ریزی شده برای پیدا کردن پاسخ سؤالات مطرح شده از طریق پژوهش و جستجو. طرحهای تحقیقی و ارزشیابی، دارای وجوه اشتراک و افتراق زیادی هستند. مثلاً از مشترکات آنها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: هر دو به عنوان فرایند به حساب می‌آیند. هر دو دارای موضوع و هدف هستند. هر دو روش پذیرند. از نکات افتراق آنها، می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

همانند: جمع‌آوری اطلاعات (تشریح کمی و کیفی)، قضاوت ارزشی (مقایسه با معیارهای از پیش تعیین شده) و اتخاذ تصمیم یا تصمیمها، باهم مشترک هستند. عوامل غیرمشترک آنها شامل: نوع اطلاعات، معیارهای ارزشی و نوع تصمیمات خواهد بود.

## ۲- اهمیت، ضرورت و دلایل ارزشیابی:

الف) برای اهمیت ارزشیابی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- مبنای صحیحی برای پیشبرد فعالیتها
- درک نیاز به تمرکز و هم جهت کردن کوششها
- اصلاح و تکمیل برنامه
- روشن کردن جزئیات فعالیت در هر سطح
- ایجاد اعتماد و اطمینان در طراحان و مجریان برنامه
- تعریف درست و معتبری از اهداف
- روشن بودن اقدامات نهائی کار
- مشخص شدن مسئولین اجرای فعالیتها در هر رده و سطح

ب) برای ضرورت ارزشیابی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- هدف و جهت دادن به اقدامات آینده
- پی ریزی اساس برنامه های آینده
- بهبود روحیه کارکنان
- اصلاح و بهبود برنامه های جاری
- امری جهت پاسخگویی و مسئولیت

ج) برای اهداف ارزشیابی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- کمک به تصمیم‌گیری، بازنگری و بازخورد در سطوح مختلف اجرای طرحها
- کمک به طراحی مجدد طرحهای موجود و

## ارزشیابی، فعالیتی است که همه بطور روزانه درگیر آن هستیم.

### چرا که همواره در حال قضاوت نسبت

### به ارزش یا اهمیت تجربه‌ها و یا اموری هستیم که انجام می‌دهیم.

عامل یا عاملان ارزشیابی قرار گیرد. به ترتیبی که، آنها بتوانند در باره ارزش یک فعالیت اظهار نظر کنند.

### ب) سطوح ارزشیابی:

لانگت به نقل از استافیل بیم، سطوح ارزشیابی برنامه های مربوط به تلاشهای اجتماعی را به شرح زیر ذکر می‌کند:

- محتواسنجی: اغلب بر نوع ساختار اجتماعی متمرکز است و زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که الگوی طرح شده، برای ارزشیابی برنامه تحرکات اجتماعی، در زمینه‌های مختلف باشد

- نهاده سنجی: منبع نیاز تدارکاتی را مطالعه می‌کند.

- روش سنجی: یکی از وقت گیرترین و پرهزینه‌ترین سطوح ارزشیابی است. روش سنجی، در جریان بررسی، اجرا و مراحل برنامه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- ستاده سنجی: در پی آن است که تا چه حد اهداف برنامه تأمین شده است. این روش ارزشیابی، می‌تواند ضعف یا قوت را در متن نهاده ها و روشهای یک برنامه مشخص نماید. لانگت معتقد است که این چهار سطح با هم مرتبط هستند و در یک ارزشیابی خوب نمی‌توانند از هم جدا باشند.

### ۴- آشنائی با انواع ارزشیابی:

یکی از روشهای معمول تقسیم بندی ارزشیابی، در ۳ مقوله زمانی، کارایی و اعتبار است.

تدوین طرحهای جدید

- بازخورد برای ارزشیابی راهبردها و مفروضات در برنامه ریزی

در کل می‌توان هدف ارزشیابی را به عنوان وسیله ای تشخیصی و پیش بینی در نظر گرفت.

### ۳- عناصر و سطوح ارزشیابی:

الف) عناصر ارزشیابی عبارتند از: ارزش، شناخت، معیار و قضاوت.

- ارزش: ویژگی خاصی است که امری را از امور مشابه، متمایز می‌سازد. ماهیت قرار دادن ارزش، امری انکارناپذیر است و بر حسب شرایط و امکانات فرق می‌کند. ولی تجانس معیاری که با آن، ارزش چیزی را می‌سنجند، ثابت است. مثلاً پدیده های کمی را با ابزار کمی و پدیده‌های کیفی را با ابزار کیفی می‌سنجند.

- شناخت: مطالعه‌ای همه‌جانبه و ایجاد درکی عمیق است نسبت به پدیده مورد نظر.

- معیار: شامل انواع باورهای مشخص و محدودکننده می‌شود. به عبارت دیگر، معیار، دامنه و ویژگیها، صفات، موقعیتهای مربوط به کیفیت و موجودیت یک چیز است یا امری است که، برای اندازه‌گیری صفت یا صفات یک چیز، از آن استفاده می‌شود. استاندارد نیز نوعی معیار است که حد معینی از مطلوبیت را تعیین می‌کند و مطلوبیت کیفی و کمی را باهم در نظر دارد.

- قضاوت: باعث می‌شود نقشی بر عهده

## ارزشیابی به طور عمده، فعالیتی است شامل :

### تشریح و توصیف کمی و کیفی پدیده ها و فعالیت‌های

انجام شده که معمولاً قضاوت ارزشی را هم به دنبال دارد.

ارزشیابیهای سریعی هستند که تحت شرایط اضطراری برای تحقیق در باره علت توقف ناگهانی، پیش بینی مشکلات یا بدست آوردن بازیافتهای سریع در باره اثر یک برنامه انجام می شوند. (۳، ص ۲۲)

«فیلیپ تاونسلی»، ارزشیابی سریع را از جمله روشهای گردآوری اطلاعات در مدتی کوتاه و محدود در باره یک اجتماع، یا یک منطقه یا فعالیت یا مسئله ویژه برای افراد غیربومی می داند که احساس می کنند در این مورد اطلاع کافی ندارند. ارزشیابی سریع، مجموعه‌ای از رهیافتهای سریع گردآوری اطلاعات را شرح می دهد و روش شناسی ثابت و منحصر به فردی نیست. (۵، ص ۱۰) لازم به تذکر است که اکثر محققین به جای کلمه «ارزشیابی سریع»، «ارزیابی سریع» را به کار می گیرند که خود این مسئله جای تأمل دارد.

### ه - ارزشیابی درونی در مقابل ارزشیابی بیرونی:

مسئله ارزشیابی درونی در مقابل ارزشیابی بیرونی در واقع یافتن پاسخ به این سوال است که ارزشیابی را چه کسی انجام می دهد. در ارزشیابی درونی، افراد ذینفع در برنامه، ارزشیابی خود را خودشان انجام می دهند، ولی در ارزشیابی بیرونی فرایند ارزشیابی، به وسیله ارزشیابان اعزامی از خارج سیستم انجام می گیرد.

باید توجه داشت که ارزشیابیهای بیرونی سه هیچ وجه ذاتاً عینی نبوده و ارزشیابیهای درونی نیز به هیچ وجه طبیعتاً فاقد اعتبار نمی باشند و هر دو نوع می توانند سالم و یا به میزان زیادی جنبه سیاسی داشته و مشکوک باشند. (۳، ص ۲۳)

علاوه بر موارد بالا، انواع دیگری نیز

منظم و مرتب به فاصله زمانی کوتاه، به خاطر طرح یا عملیات، به بررسی کارایی روند و بازدهی فعالیت‌های طرح می پردازد.

### ج) انواع ارزشیابی از لحاظ درجه اعتبار:

فروتچی «Fautchey»، یک تقسیم بندی دوگانه در این امر ارائه می دهد:

- ارزشیابی تصادفی یا روزمره یا غیررسمی  
- ارزشیابی رسمی و بررسیهای گسترده  
این دو نوع ارزشیابی، بر روی یک طیف قرار دارند و هر چه، به میزان نظم و حالت سیستماتیک، در کار ارزشیابی افزوده شود، بر میزان اتخاذ تصمیمهای مفید برای برنامه افزوده خواهد شد.

علاوه بر تقسیم بندی ذکر شده، تقسیم بندی های دیگری نیز از ارزشیابی به عمل می آید. مثل تقسیم بندی از نظر نحوه اجرا (انفرادی یا گروهی)، از نظر ملاک مورد استفاده (ملاکی، هنجاری) و ... که در این مبحث نمی گنجد و خود نیاز به بحثی جداگانه دارد.

### د) ارزشیابی سریع:

اخیراً در اجرای برنامه ها، به راهبردهای جمع آوری بازخورد سریع علاقه زیادی نشان داده شده است. احتمالاً دلیل این علاقه این است که مطالعات ارزشیابی به شیوه معمول از نظر تصمیم گیرندگان بسیار طولانی تلقی می شود. ارزشیابیهای سریع در واقع همان

### الف) تقسیم بندی از نظر زمان:

در این تقسیم بندی، مدل‌های زیادی وجود دارند. مثل مدل اسکریون «Scriven» که ارزشیابی را به دو دسته ارزشیابی مرحله‌ای یا جاری یا تکوینی «Formative Evaluation» و ارزشیابی پایانی یا نهائی یا تراکمی «Summative Evaluation» تقسیم می کرد. نوع دیگری از تقسیم بندی ارزشیابی از نظر زمان وجود دارد که در ۳ دسته ارزشیابی ابتدائی «Per-programme Evaluation»، ارزشیابی جاری «On-going Evaluation» و ارزشیابی پایانی «Expost Evaluation» جای می گیرد. گروهی دیگر ارزشیابی را از نظر زمان به ۳ دسته پیش از اجرا، ضمن اجرا و پس از اجرا تقسیم کرده اند. به طور کلی در گذشته، تأکید اصلی بر ارزشیابی تراکمی یا نهائی بود، ولی امروزه، اهمیت ارزشیابی مرحله‌ای بیشتر شده است.

### ب) انواع ارزشیابی از نظر کارائی:

«اس. اچ. امتو»، دو نوع ارزشیابی را از نظر کارائی، مورد تأکید قرار می دهد:

واگستنی (ناظر به گذشته) «Retrospective Evaluation»: در زمان معینی انجام می گیرد و به بررسی تناسب کارائی و بازدهی در باره کاربرد امور تا زمان انجام ارزشیابی مربوط می شود.  
- مداوم «Continuos Evaluation»: از پیش، در طرح پیش بینی می شود و به طور

از ارزشیابی وجود دارد که به دلیل طولانی نشدن کلام تنها به ذکر نام آنها اکتفا می شود: نیازسنجی، پیمایش مسبانی، ارزشیابی یادگیرنده، ارزشیابی کارکنان، ارزشیابی برنامه درسی، خودارزشیابی و غیره.

## ۵- الگوهای ارزشیابی «Evaluation Models»

برای انجام پذیری ارزشیابی رسمی، باید به دنبال مدلها و الگوهای ارزشیابی گشت. الگوهای ارزشیابی را می توان نظمی تجربه شده تلقی کرد که به موجب آن، قابل استفاده بودن نتایج ارزشیابی تضمین می شود. صاحب نظران، الگوهای ارزشیابی را با این نیت توسعه داده اند که نتایج تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند. علاوه بر این، برای ارزشیابی برنامه ها، الگوهای گوناگونی ارائه شده است که هر کدام، برای ارزشیابی برنامه ها، الگوهای گوناگونی ارائه داده اند که هر کدام، بر اساس رویکردها و هدفهای ارزشیابی، دارای شیوه خاصی هستند. ارزشیابی برنامه ها، همیشه با مشکلات زیادی مواجه بوده است. زیرا که، به طور دقیق نمی توان اثربخشی برنامه ها را اندازه گرفت. با این وجود، پژوهشگران می کوشند با ارائه انواع الگوها، این عدم اطمینان را به حداقل برسانند. علت گوناگون بودن الگوها، عبارت است از: تفاوت در اهداف ارزشیابی، متفاوت بودن زمینه های تجربی و آموزشی افراد ارائه دهنده الگوها، تفاوت در موضوعاتی که ارزشیابی می شوند و تأکید ارائه دهندگان الگوها بر جنبه های خاصی از فرایند ارزشیابی. مدل های جدید ارزشیابی که به وجود آمده است، پاسخهای متنوعی را نسبت به سوالات زیر منعکس می سازد:

- چه کسی ارزشیابی را اجرا می کند؟

- مخاطبان اصلی نتایج ارزشیابی چه افرادی هستند؟

- چه فرضیاتی تدوین شده است؟

- چه روشهایی مورد استفاده قرار گرفته است؟

- طبیعت اطلاعاتی که مورد استفاده قرار گرفته است، چیست؟

- در زمینه نتایج و بازده ها، چه امیدهایی وجود دارد؟

### ■ الگوی ارزشیابی CIPP:

این الگو، توسط استافیل بیم و گوبا طراحی شده است و شامل ۴ مرحله به ترتیب زیر است:

الف) ارزشیابی زمینه «Context Evaluation»: این نوع ارزشیابی، بررسی محیطی است که برنامه ایجاد تغییرات، در آن اجرا می شود و به منظور تصمیم گیریهای مربوط به برنامه ریزی، از جمله تعیین هدفها، مورد استفاده قرار می گیرد.

ب) ارزشیابی درون داد «Input Evaluation»: شامل ارزشیابی عوامل تشکیل دهنده یک برنامه ایجاد تغییرات به منظور تصمیم گیریهای مربوط به طراحی برنامه است.

ج) ارزشیابی فرایند «Process Evaluation»: جهت تصمیم گیریهای اجرایی می باشد.

د) ارزشیابی بیرون داد «Product Evaluation»: ارزشیابی اثربخشی (تحقق یافتن اهداف)، جهت تصمیم گیریهای مربوط به ادامه، قطع، تبدیل یا گسترش برنامه است. در ارزشیابی زمینه، با استفاده از

روشهای توصیفی و مقایسه ای، جنبه های مثبت و منفی برنامه ها، نیازهای برآورده نشده و امکانات مورد استفاده قرار نگرفته در

محیط، شناسائی می گردد و منجر به شناخت اهداف می شود. در ارزشیابی درون داد، امکانات مالی و انسانی، خط مشی ها، موانع و محدودیتهای موجود در نظام که می تواند در پیشبرد اهداف تعیین شده، کمک نماید مورد شناسائی و ارزشیابی قرار می گیرد. در ارزشیابی فرایند، به بررسی و ارزشیابی در باره اینکه آیا برنامه طبق آنچه که پیش بینی شده به اجرا در می آید یا خیر، اقدام می شود. در این بررسی، اجزاء برنامه، به صورت تک تک مورد استفاده قرار می گیرند. کمبودها و نارسائیهای احتمالی و نقاط قوت برنامه مشخص می شود و اجزاء با اهداف مقایسه می شوند. در ارزشیابی بیرون داد، تعیین میزان حصول به اهداف، مورد نظر است که با انجام ۳ نوع ارزشیابی، یعنی تکوینی (در حین اجرای برنامه)، تراکمی (در پایان اجرای برنامه) و ارزشیابی پیگیری (مدتی بعد از طی دوره آموزش)، می توان مقدار دستیابی به اهداف برنامه را تعیین نمود. پس از ارزشیابی CIPP، می توان در تصمیم گیری یا پاسخگوئی و یا هر دو مورد استفاده کرد.

### ■ الگوی ارزشیابی تفاوتها:

پایه گذار این الگو، مالکم پرووس «Malcom Provus»، می باشد. وی معتقد است، که ارزشیابی محدود به توصیف تفاوت های میان آنچه، که از یک برنامه انتظار می رود و آنچه که در اجرا به بار می آید، می باشد. اندازه گیری انحراف از اهداف برنامه، به موجب ۵ جنبه از موقعیتهای اجرایی، روشن می شود که به شرح زیر است: طراحی برنامه، کارائی یا عملکرد برنامه، جایگاه یا استقرار برنامه، هزینه برنامه، عملیات اجرایی برنامه یا فرایند به کار برده شده در برنامه. در این الگو، معمولاً از

روشهای توصیفی استفاده می شود و به استفاده از تعداد زیادی نیروی متخصص و همچنین، صرف منابع مادی زیاد و زمان طولانی نیاز است. ارزشیابان، باید در خصوص تعیین معیارها و ملاکهای موفقیت برنامه با مجریان و تهیه کنندگان برنامه به توافق برسند تا در جریان ارزشیابی بتوانند، تفاوت‌های ایجاد شده را به درستی دریابند و ثبت کنند.

#### ■ الگوی اعتبارگذاری «Accreditation Model»

اعتبار گذاری یا به رسمیت شناختن، یکی از قدیمی ترین شیوه های ارزشیابی است که در سال ۱۸۷۱ به وسیله دانشگاه میشیگان و از طریق دعوت از دبیرستانهای آن ایالت، جهت کسب تأیید دانشگاهی نسبت به برنامه‌های تحصیلی آنها، گسترش یافته است. پس فارغ‌التحصیلان مدارس که تأیید شده بودند، بدون امتحان در دانشگاه پذیرفته می‌شدند. الگوی اعتبارگذاری، از نوعی ارزشیابی ناهمخوانی استفاده می‌کند. استانداردهایی که به وسیله هر انجمنی تهیه می‌شود، معمولاً ۴ زمینه مشترک در مدل استافیل بیم (زمینه، درون‌داد، فرایند و برون‌داد) را بدون به‌کارگیری این اصطلاحات، تحت پوشش قرار می‌دهد. کارایی اعتبارگذاری، به عنوان یک شیوه ارزشیابی، به کیفیت استانداردها، روایی داوریهی انجام شده به وسیله هیأت آموزشی و شیوه‌هائی بستگی دارد که در اعطاء و لغو اعتبار، به وسیله انجمن تعقیب می‌شود. استانداردها یا معیارها، به وسیله متخصصان و برای تعریف بهترین شیوه ممکن تنظیم می‌شود. با این وجود، این استانداردها ممکن است منعکس کننده بهترین برنامه‌ها در گذشته و حال باشند غیر از آینده.

#### ■ الگوی ارزشیابی هدف آزاد «Goal Free Evaluation»

این الگو، توسط مایکل اسکریون (Michael Scriven) ارائه شد. این نوع ارزشیابی با اثرات واقعی سروکار دارد تا با اثرات مورد انتظار. در الگوی هدف آزاد، دیدگاه ارزشیابی به هدفهای تعیین شده محدود نشده، بلکه علاوه بر هدفهایی که از قبل مشخص شده است، سایر نتایج به دست آمده و همچنین، نتایج جنبی را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی ارزشیابی فارغ از هدف، در

ارزشیابی را بر خلاف ارزشیابی مرحله‌ای و پایانی که برای ارزشیابی فراگیران و نوع خدمات ارائه شده به آنان است، مطالعه‌ای در باره مجریان می‌داند. به عبارت دیگر، در این الگو، تأکید ارزشیابی بر منابع نظام و برنامه آموزشی نیست، بلکه بر پایه روابط عملیات مجریان و دست‌اندرکاران اجرایی امر آموزش، استوار است. در این مسیر، با تشخیص نقاط ضعف مجریان و تهیه بازخورد مناسب، افراد ضعیف و بازدارنده را به افراد فعال و تسریع کننده تبدیل می‌نماید. در این

#### گاهی تحقیق، با ارزیابی یا نظارت اشتباه گرفته می‌شود.

این اشتباه، بدان علت است که ارزیابان

با استفاده از آزمون و مصاحبه، مانند پژوهشگران به گردآوری

اعداد و ارقام می‌پردازند

الگو، ارزشهای برنامه، بر مبنای نقش آموزش دهندگان و مربیان بررسی می‌شود. به این منظور، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن به تدریجی درمی‌آید که بتوان نیروهای معارض و احیاناً تنش ایجاد شده در جریان آموزش را شناسایی کرده و آنها را در جهت انجام مطلوبتر برنامه آموزشی و تغییرات آن، به نیروهای سازنده تبدیل نمود.

#### ■ الگوی ارزشیابی حقوقی

«Advocacy Model of Evaluation»

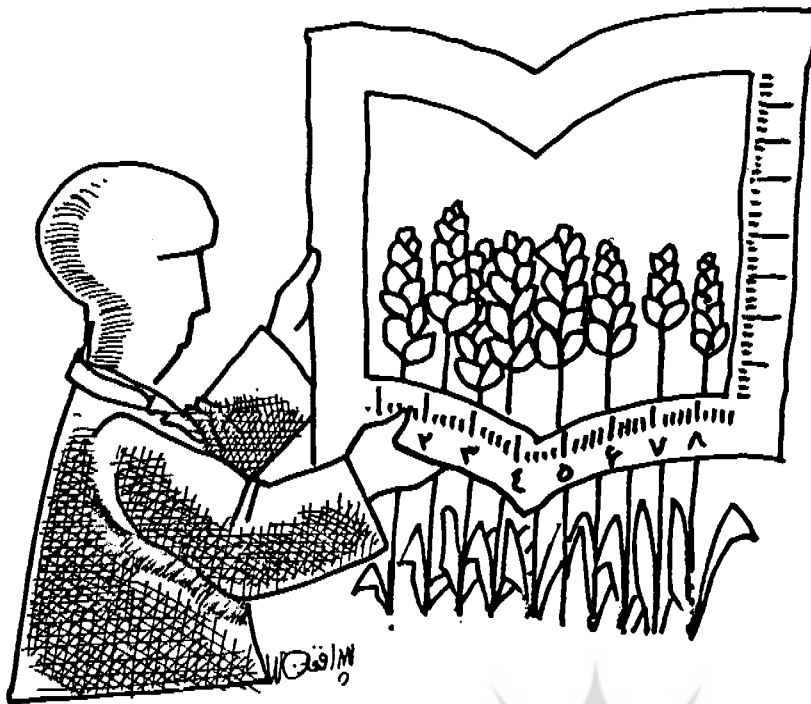
در این الگو، مسئولیتها و مأموریتی که بر عهده دستگاه آموزشی محول شده است به شیوه دادگاهها با هیأت منصفه، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و ارزشیابی می‌شود. ارزشیابی حقوقی برنامه، این امکان را فراهم می‌آورد که همه کسانی که به نحوی

مورد اکثر برنامه‌های استاندارد نشده می‌تواند مفید و مناسب باشد. اسکریون در تأیید این مطلب، به این نکته اشاره می‌کند. در ارزشیابی هدف مدار، با توجه به اینکه ارزشیاب، ابتدا به بررسی هدفهای برنامه می‌پردازد؛ تا دریابد که آیا هدفها تحقق یافته‌اند یا نه، وسعت دیدگاه او، آن چنان محدود می‌شود که ممکن است پیامدهای مهم یک برنامه را به مثابه اثرات جانبی نادیده انگارد. ولی در اینجا، از اجرای ارزشیابی، اهداف برنامه را مشخص نمی‌کنند، بلکه پس از جمع‌آوری اطلاعات به استنباط نتایج می‌پردازند.

#### ■ الگوی ارزشیابی مناسبات اجرایی

«Trosactional Evaluation Model»

رابرت ریپی (Robert Rippey) این



دست‌اندرکار یا تحت تأثیر برنامه هستند، بدون توجه به سن و جنس یا مقام، در باره موفقیت برنامه اظهار نظر کنند. نظرات در برابر هیأت منصفه (گروه ارزشیابی) قرار می‌گیرند و اعضای گروه پس از رسیدگی، براساس مدارک و شواهد و دیدگاههای متنوع، به قضاوت و ارزشیابی موفقیت‌های برنامه می‌پردازند. در یک ارزشیابی مبتنی بر مدافعه، ۴ مرحله زیر به اجرا درمی‌آید:

- مرحله تدوین موضوعات
- مرحله تدارک بحثها
- مرحله انتخاب موضوعهای مورد رسیدگی
- مرحله دادرسی

## ■ الگوی ارزشیابی به مثابه روشننگری

«Evaluation as Illumination»

پارلت و هامیلتون (Parlett and Hamelton)، ارائه دهندگان این الگو، معتقدند که اولاً، نظامهای فعالیتی بعد از به اجرا درآمدن، از حالت پویا درمی‌آیند و ایستا می‌شوند و تعدیلهای جزئی هم در باره آنها به اجرا در نمی‌آید و با هدفهای خود فاصله می‌گیرند. ثانیاً، برنامه‌ها از محیط و مجریان آن جدا نیست و باید به آنها توجه نمود. این نوع ارزشیابی در ۳ مرحله انجام می‌گیرد:

- مشاهده شرایط و محیط عمل
- انتخاب موضوعات مورد بررسی از طریق ملاحظه و بررسی پیشرفت برنامه‌ها
- تحلیل و توضیح

در ارزشیابی به مثابه روشننگری، از روشهای مختلفی مانند: مشاهده، مصاحبه، آزمون، بررسی اسناد و مدارک و سابقه امر استفاده می‌شود. از نکات مثبت این الگو، می‌توان توجه به محیط و عدم توجه به هدفهای از پیش تعیین شده را نام برد. هدف از اجرای این ارزشیابی نه تنها تأمین نظر کسانی

است که برنامه، تحت نظر آنها اجرا می‌شود، بلکه باید مقصود کسانی را که در عمل به اجرای برنامه می‌پردازند، یعنی مجریان و نیز مقصود فراگیران را تأمین نماید.

## ■ الگوی ارزشیابی مشارکتی

«Participative Evaluation (PE)»

این الگو، توسط پائولو فرر (Paulo Freire) ابداع شده است. در این شیوه، ارزشیاب باید افرادی را که مورد ارزشیابی هستند، به عنوان ارزشیابان در کار ارزشیابی دخالت دهد. یعنی کلیه دست‌اندرکاران در برنامه آموزشی و فراگیران خود، در ارزشیابی شرکت نمایند و به عنوان ارزشیاب به کار بپردازند. در ارزشیابی مشارکتی، آموخته‌ها و یادگرفته‌های کسانی که دوره آموزشی را گذرانده‌اند نه به موجب دیدگاه افرادی ناظر، بلکه به موجب نگرش و داوری خودشان، مضمون موفقیت برنامه آموزشی را توصیف می‌کند. مزیت این الگوی ارزشیابی نسبت به سایر الگوها، در این است که از یک مبنای محکم فلسفی که همانا انسان‌گرائی و احترام

به انسان است، برخوردار می‌باشد. ارزشیابی مشارکتی، ابزاری برای کسب تجربه و فراگیری از تجربیات است و نظامی است که برای استفاده بهره‌برداران از برنامه یا پروژه تهیه شده است و صرفاً ارزشیابی نیست، بلکه نوعی آموزش است و باعث ارتقای آگاهی افراد می‌شود و مسئولیت ایجاد دگرگونی در محیط را به خود مردم واگذار می‌کند. اما از آنجا که بازخوردی برای تصمیم‌گیرندگان برنامه‌ها ندارد، لذا باید از آن همراه با انواع دیگر ارزشیابی استفاده نمود. این رهیافت، به عنوان بخشی از یک نظام مدیریتی خودگردان، شرکت‌کنندگان مختلف در توسعه روستایی را قادر می‌سازد که از تجارب، موفقیتها و ناکامیهای حاصل شده درس بیاموزند، تا بتوانند در آینده بهتر عمل کنند. ارزشیابی مشارکتی، تجزیه و تحلیل نظام یافته از سوی مدیر پروژه و اعضای گروه می‌باشد؛ تا آنها را قادر به ایجاد هماهنگی، بازنگری در خط مشی و اهداف، سازماندهی مجدد شیوه‌های نهادی و یا در صورت نیاز، جایگزینی و جابجائی منابع و امکانات نماید.



در این طرح، داده های جمع آوری شده در خلال نظارت، زمینه را برای تجزیه و تحلیل ارزشیابی که در باره ارزیابی اثرات پروژه بر بهره برداران مورد نظر می باشد، فراهم می کند.

### ■ الگوی ارزشیابی مبتنی بر استراتژی وضعیت ویژه (Situation-Specific Strategy)

هر برنامه به فراخور نیازها و اهداف خود، الگوی خاصی را می طلبد. الگوی ارزشیابی مبتنی بر استراتژی وضعیت ویژه، با در نظر گرفتن موضوع فوق، تلاش می کند فرایند تغییرات اجتماعی و فنی را بررسی کند و نتایج ارزشیابی خود را از برنامه تغییر دهد و در خدمت شیوه های عملی قرار دهد. در چنین حالتی، ارزشیابی فرایند برنامه، بر عملکرد آن ترجیح دارد و برای دستیابی به چنین الگویی، می توان به یک ترکیب برگرفته از الگوهای مختلف، امید داشت. این ترکیب، معادل الگوی التقاطی نیست، بلکه از جنبه های مثبت الگوهای مختلف سود می برد و اندیشه های نو به آن اضافه می کند. عملی کردن الگو، دارای ۳ رکن است که باهم در ارتباط متقابل هستند. این ۳ رکن عبارتند از: سیستم برنامه، سیستم اطلاعاتی و سیستم ارزشیابی. هر یک از این ۳ رکن دارای ۴ قسمت است که عبارتند از: درون داد، زمینه، فرایند و برون داد. در سیستم برنامه، کار ارزشیاب، بررسی برنامه و تحلیل ماهیت آن است. در سیستم اطلاعاتی، ارزشیاب، روش گردآوری اطلاعات را تعیین می کند و در سیستم ارزشیابی، توجه به متغیرهای اصلی هر برنامه ارزشیابی ضروری است.

### ■ الگوی ارزشیابی تایلر «Taylor Model of Evaluation»

نخستین جهش در فرایند ارزشیابی، با کار تایلر در دهه ۱۹۳۰ در ارتباط با ارزشیابی برنامه مطالعه ۸ ساله انجمن تعلیم و تربیت پیشرو به وجود آمد. تایلر، تعلیم و تربیت را به عنوان تغییرات رفتاری تعریف کرد. به این ترتیب، ارزشیابی عبارت بود از: اندازه گیری میزان چنین تغییراتی که هماهنگ با هدفهای تربیتی تعریف شده از قبل می باشد. این فرایند، بدین معنی است که هدفهای کلی و اهداف عینی آموزشی معرفی می شود. آن گاه، فرایند آموزشی، سعی در ایجاد چنین تغییراتی در دانش آموزان می نماید و ارزشیابی، تعیین می کند که آیا تغییرات مطلوب به وقوع پیوسته است یا خیر. این الگو، به طور وسیعی از نوع ارزشیابی پایانی می باشد و نوعی ارزشیابی هدف مدار تلقی می شود. بنابراین، ارزشیابی پس از طرح ریزی و اجرای برنامه ضرورت پیدا می کند. ارزشیابی در مدل تایلر، دارای دو بعد مهم است:

- ۱) موضوع ارزشیابی، سنجش میزان تغییر رفتار است.
- ۲) تعدد در امر ارزشیابی اجتناب ناپذیر است. زیرا در طول زمان، جهت بررسی تغییرات، به بیش از یک یا دو ارزشیابی نیاز می باشد.

### ■ الگوی ارزشیابی استیک «Stake's Model of Evaluation»

استیک، معتقد به دو نوع ارزشیابی است که عبارتند از: رسمی و غیررسمی. در این الگو، جهت داوری در باره مزایا و معایب برنامه، باید ۳ نوع اطلاعات را جمع آوری نمود که عبارتند از: شرایط پیشین، تبادل و نتایج. اطلاعات اشاره شده در بالا، در دو مرحله ارزشیابی به کار می رود. یعنی در مرحله

توصیف (شرح وضعیت) و مرحله قضاوت (داوری). در مرحله توصیف، اقدام به بررسی وضعیت می شود و در مرحله قضاوت یا داوری، با توجه به داده های جمع آوری شده، قضاوت ارزشی صورت می گیرد.

### ■ الگوی ارزشیابی تسهیل تصمیم گیری «Decision-oriented Evaluation»

این الگو، هدف از ارزشیابی را، تسهیل تصمیم گیری از راه تشریح وضعیت موجود و مشکلات یعنی عمل مشکل یابی، جمع آوری اطلاعات یعنی توصیف وضعیت و شناسایی راهکارها و سرانجام به کارگیری اطلاعات می داند. در واقع، در این الگو، ابتدا فرایند مشکل یابی صورت می پذیرد. آنگاه، فرایند مشکل گشایی که مشتمل بر دو مرحله تصمیم گیری و اجرا می باشد، انجام می گردد.

### ■ الگوی ارزشیابی هدف مدار «Goal-oriented Evaluation»

الگوی فوق، متعلق به بلوم و همکارانش می باشد و هدف از ارزشیابی را تعیین میزان پیشرفت افراد می داند. در ابتدا، این الگو، برای ارزشیابی فعالیتهای آموزشی طراحی شد و قصد تعیین میزان پیشرفت شاگردان و تأثیر نوآوریهای آموزشی را داشت.

### ■ الگوی عمومی ارزشیابی:

این الگو، جهت انواع ارزشیابی به کار می رود و بر حسب هدف ارزشیاب و نوع سؤالاتی که در صدد پاسخگویی به آنهاست، می تواند برای انواع ارزشیابها استفاده شود (مثل تکسونی و یا نهایی). محور اصلی فعالیتهای انجام شده بر مبنای این الگو را می توان در ۴ فعالیت خلاصه کرد. این ۴

ارزیابیهای سریع در واقع همان ارزشیابیهای سریعی هستند که تحت شرایط اضطراری برای تحقیق در باره علت توقف ناگهانی، پیش بینی مشکلات یا بدست آوردن بازایافتهای سریع در باره اثر یک برنامه انجام می شوند.

در ارزشیابی به مثابه روشنگری، از روشهای مختلفی مانند: مشاهده، مصاحبه، آزمون، بررسی اسناد و مدارک و سابقه امر استفاده می شود.

فعالیت، به نحوی، در تمامی الگوهای ارزشیابی وجود دارد و عبارتند از: تعیین نوع اطلاعات لازم، جمع آوری اطلاعات، نتیجه گیری و قضاوت، تصمیم گیری. الگوی عمومی ارزشیابی در بطن ۴ فعالیت فوق، دارای ۱۰ مرحله جهت اجرای کامل می باشد.

حصول به هدفی خاص، یک الگو جوابگو نبوده، بلکه از تلفیق چند الگو استفاده می گردد. یعنی با وجود انواع مدل های ارزشیابی، ضرورتی در کنار نیست که طرح ریزان برنامه، خود را به یک الگو محدود نمایند. بهتر آن است که در صورت وجود شرایط و داشتن تواناییهای لازم، از دو یا چند مدل استفاده نمایند. در تلفیق الگوها با یکدیگر، باید توجه داشت که الگوی جدید، حداقل همپوشانی را داشته باشد، یعنی نقاط مثبت الگوی مادر، اخذ شده و نقاط منفی موجود در هر الگو، توسط سایر الگوها رفع گردیده باشد. همچنین دوباره کاریها در آن از بین برود؛ تا الگوی تلفیقی قابل استفاده محسوب گردد. این کار -تلفیق الگوهای موجود و ارائه الگوی جدید- به دلیل ماهیت علم ترویج و آموزش کشاورزی و نوع فعالیتهای آن، به کرات دیده می شود. لذا در کاربرد آن باید دقتهای لازم را مبذول داشت. هر چقدر از سمت ارزشیابی غیررسمی به سمت ارزشیابی رسمی حرکت کنیم، اهمیت الگوهای ارزشیابی بیشتر می شود. از طرف دیگر، از بین الگوهای رسمی ارزشیابی، هیچ گاه، نباید الگوی خاصی را برتر از الگوی دیگر دانست. برتری هر الگو، تنها با توجه به موقعیت اجرایی و شرایط، معنی و مفهوم پیدا می کند.

باید توجه داشت که الگوها یا مدل های

خبرگی آموزشی وسیله ای است که از طریق آن شکل چارچوب و ترتیبهای داخل آن دوباره سازمان می یابد تا تصمیمات معقول در باره چارچوب اتخاذ گردد. انتقاد آموزشی هنری است که از طریق آن توصیف، تفسیر و ارزشیابی آشکار و مشخص می شود.

روش شناسی خبرگی و انتقاد به هیچ وجه تخیلی و غیرهوشیارانه نیست و به یقین می تواند منظم و دقیق باشد. (۳، ص ۵۴)

### خلاصه و نتیجه گیری:

ارزشیابی، فرایندی است که بازخورد مناسب جهت اصلاح و تداوم برنامه ها را فراهم می نماید. از طرف دیگر، اثربخشی برنامه ها را هیچگاه به طور دقیق، نمی توان اندازه گرفت. ولی وجود الگوهای ارزشیابی، این عدم اطمینان را به حداقل می رسانند. الگوهای ارزشیابی را به طور کلی، می توان به دو دسته الگوهای محتوایی «Content Model» و فرایندی «Process Model» تقسیم کرد. الگوهای محتوایی، هدف از ارزشیابی را می رسانند. ولی الگوهای فرایندی ارزشیابی، بیشتر بر جریان یا فرایند ارزشیابی تأکید می کنند. انتخاب یک الگوی مناسب برای ارزشیابی فعالیت خاص در ترویج و آموزش کشاورزی، بستگی به اهداف ارزشیابی، تجارب و میزان اطلاع مجریان، ماهیت موضوع و ... دارد. از طرف دیگر، گاهی برای

فعالیت، به نحوی، در تمامی الگوهای ارزشیابی وجود دارد و عبارتند از: تعیین نوع اطلاعات لازم، جمع آوری اطلاعات، نتیجه گیری و قضاوت، تصمیم گیری. الگوی عمومی ارزشیابی در بطن ۴ فعالیت فوق، دارای ۱۰ مرحله جهت اجرای کامل می باشد.

### ■ الگوی آزمایش اجتماعی «Social Experimentation»

این الگو در پی آزمودن گروههای اجتماعی موجود است. در این الگو جامعه به صورت یک آزمایشگاه در می آید. در الگوی آزمایشی کلاسیک، ارزشیاب با استفاده از این الگو، دو گروه انتخاب می کند (گروه مورد آزمون و گروهی که آزمونی بر روی آن انجام نمی گیرد). مفاهیم اصلی روش شناسی این الگو عبارت از نمونه برداری تصادفی، کنترل، برخورد آزمایشی و مقایسه است. (۳، ص ۴۷)

### ■ ارزشیابی به عنوان خبرگی «Evaluation as Connoisseurship»

این الگو توسط الیوت دبلیو آیزنر (Eisner, 1979) مطرح شده و بر اساس الگوی علمی و سنت زیباشناختی هنرها استوار است. آیزنر برای انجام وظایف ارزشیابی آموزشی، دو مفهوم وابسته به هم را پیشنهاد می کند: (۱) خبرگی آموزشی و (۲) انتقاد آموزشی.

در ارزشیابی هدف مدار، با توجه به اینکه ارزشیاب، ابتدا به بررسی هدفهای برنامه می‌پردازد؛ تا دریابد که آیا هدفها تحقق یافته‌اند یا نه، وسعت دیدگاه او، آن چنان محدود می‌شود که ممکن است پیامدهای مهم یک برنامه را به مثابه اثرات جانبی نادیده انگارد.

در ارزشیابی درونی، افراد ذینفع در برنامه، ارزشیابی خود را خودشان انجام می‌دهند، ولی در ارزشیابی بیرونی فرایند ارزشیابی، به وسیله ارزشیابان اعزامی از خارج سیستم انجام می‌گیرد.

- ارزشیابی فعلی، تنها قادر به ارزشیابی فعالیتهایی خاص یا بخشی از یک فعالیت کلی هستند. این یکی از محدودیتهای الگوها می‌باشد. در ثانی با تغییر سیستم، الگوها یا مدلها نیز، جهت تطابق خود با شرایط جدید، نیاز به تغییر دارند. لذا تغییر و تکامل الگوهای ارزشیابی نیز، امری حیاتی و لازم می‌باشد.
- منابع و مآخذ:**
- ۱- ایزاک، استیفن. "راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی". ترجمه مرضیه کریم نیا. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
  - ۲- ایمبودن، نیکلاس. "مدیریت اطلاعات برای پروژه های روستایی". (مترجمان محمد موسی و کورش صدیقی). تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۳.
  - ۳- بولا، ه. س. "ارزشیابی طرحها و برنامه های آموزشی برای توسعه". (مترجم خدیار ابیلی). تهران: موسسه بین المللی روشهای آموزش بزرگسالان، ۱۳۷۵.
  - ۴- بولا، ه. س. "ارزشیابی آموزشی و کاربرد آن در سوادآموزی تابعی". (مترجم عباس بازرگان). تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
  - ۵- تاونسلی، فیلیپ. "روشهای ارزیابی سریع" (مترجم بهروز گرانپایه). تهران: شرکت سهامی شیلات ایران، ۱۳۷۵.
  - ۶- تقی پور ظهیر، علی. "مقدمه‌ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی". تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۳.
  - ۷- حجازی، یوسف. "درآمدی بر ارزشیابی فعالیتهای آموزشی و تربیتی". تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۳.
  - ۸- راب رابرت، ت. "بهبود کیفیت آموزشی، راهنمای مربی برای ارزشیابی". (مترجم محمد چیدری). تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۴.
  - ۹- سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی. "نظارت و ارزشیابی مشارکتی". (مترجم غلامحسین صالح نسب). تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۱.
  - ۱۰- سوان سون، برتون. "مرجع ترویج کشاورزی". (مترجمان اسماعیل شهبازی و احمد حجازان). تهران: سازمان ترویج کشاورزی، ۱۳۷۰.
  - ۱۱- سیف، علی اکبر. "روانشناسی پرورشی". تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۲.
  - ۱۲- سیلور بی گالن، ویلیام الکساندر و آرتور جی لوئیس. "برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر". (مترجم غلامرضا خوی نژاد). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
  - ۱۳- شعبانی، حسن. "مهارتهای آموزشی و پرورشی (روش و فنون تدریس)". تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
  - ۱۴- شهبازی، اسماعیل. "توسعه و ترویج روستایی". تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
  - ۱۵- فردانش، هاشم. "مبانی تکنولوژی
- آموزشی". تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
- ۱۶- کیامتن، علیرضا. "روشهای ارزشیابی آموزشی". تهران: پیام نور، ۱۳۷۴.
- ۱۷- گروه مشاوران یونسکو. "فرایند برنامه ریزی آموزشی". (مترجم فریده مشایخ). تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۳.
- ۱۸- محمدقلی نیا، جواد. "آشنایی با الگوهای ارزشیابی" (پلی کی). اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۵.
- ۱۹- مهندسان مشاور DHV هلند. "رهنمودی برای برنامه ریزی مراکز روستایی". (مترجمان سید ابوطالب فنایی، سید جواد میر، ناصر اوکتایی و دیگران). تهران: وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۱.
- ۲۰- وایرما، ویلیام و استفن جی. جوز. "اندازه گیری و آزمون در تعلیم و تربیت". (مترجم غلامرضا خوی نژاد). مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.